یادداشت

محمدجواد اخوان

پیشرفت منهای برجام

مسئله پیشرفت، تعالی‌جویی و تلاش در جهت حرکت به سمت جلو، در نهاد فطری انسان نهادینه‌شده است و در دوران معاصر با تکیه هر چه بیشتر بر دانش و تفکر، این امر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در این زمان، از تک‌تک آحاد بشریت گرفته تا مجموعه جامعه انسانی، مقوله «پیشرفت» را برای خود هدفی اساسی دانسته و چنین گمان می‌رود که گام برنداشتن یک جامعه در جهت پیشرفت به‌منزله مرگ تدریجی و نابودی آن جامعه خواهد بود. پیشرفت از مفاهیمی است که هر جامعه‌ای بر اساس مبانی معرفتی، فلسفی و اخلاقی خود برداشت خاصی از آن دارد. در فرآیند پیشرفت و تکامل و هدف‌گذاری و تعیین مقصد برای آن، جهان‌بینی حاکم بر جامعه نقش بسزایی دارد. اگر جامعه‌ای دارای بینش مادی باشد، اهداف زندگی را محدود به جنبه‌های مادی می‌داند و گزینش خود را در همین راستا انجام می‌دهد و پیشرفت را حرکتی در جهت اهداف خود تعریف می‌کند. در این نگاه، هر چیزی که محدودیت مادی ایجاد نماید و برای امیال و خواسته‌های مادی مانع محسوب شود، ضد توسعه قلمداد می‌شود.

کاربرد واژه توسعه توسط اندیشمندان و سیاستمداران غربی با بار ارزشی و ارزشگذاری شخصی همراه است. غرب با تقسیم‌بندی جهان به توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته این مفهوم را القا می‌کند که کشوری توسعه‌یافته به شمار می‌رود که دارای فرهنگ، آداب، رفتار و جهت‌گیری سیاسی با مختصات غربی باشد. در حال توسعه یعنی کشوری که در حال غربی شدن است و توسعه‌نیافته یعنی کشوری که در مسیر غربی شدن قرار ندارد. ملاک این تقسیم‌بندی نه برخورداری از دانش و فناوری پیشرفته، بلکه برخورداری از فرهنگ و ارزش‌های غربی و حرکت در مسیر کسب آنهاست. در این راستا، ایده توأم بودن فرهنگ و فناوری را مطرح نمودند. مدعای این ایده این بود که یا باید فناوری را با فرهنگ پذیرفت یا هر دو را رد کرد و چون فناوری از غرب می‌آید، باید فرهنگ هم از غرب بیاید.

پیشرفت در اندیشه و نظام معنایی اسلام معنای خاص دارد و در چالش با توسعه غربی است. واژه توسعه، که در جهان سیاست به کار برده می‌شود، برگرفته‌شده از فرهنگ غرب است و با نگاه تک‌بعدی به رشد جامعه، فقط رشد مادی آن را مدنظر قرار می‌دهد. در جهان معاصر، هویت و شخصیت حقیقی جوامع اسلامی در پرتو فرهنگ و ایدئولوژی آسمانی‌شان رقم می‌خورد. بدین معنا که اگر جهان غرب با ابتنا بر انسان‌محوری با فرهنگ مادی و فناوری پیشرفته‌اش شناخته می‌شود؛ جهان اسلام با ابتنا بر خدامحوری با معنویت، انسانیت و اخلاق و با فلسفه، حکمت و ایدئولوژی متافیزیکی‌اش هویت می‌یابد. اندیشه اسلامی، پیشرفت و تکامل را یکی از ابعاد وجودی انسان تلقی می‌نماید و هرروز انسان را بهتر از روز قبل می‌خواهد؛ البته این پیشرفت و ترقّی باید در چارچوب اصول، احکام و ارزش‌های دینی خود تحقق یابد، چراکه اساساً سعادت حقیقی این جهانی انسان، علاوه بر سعادت اخروی، از همین راه حاصل شدنی است. پیشرفت در نظام معرفتی اسلام، عبارت است از حرکت تصاعدی و رو به کمال انسان که تمام ابعاد وجودی او را در بر دارد و به‌طور متوازن و متناسب انجام می‌گیرد.

با همین رویکرد در نگاه اجتماعی و کلان نیز می‌توان پیشرفت یک کشور و جامعه را تبیین کرد. پیشرفت جامعه اسلامی، تعالی و تکامل معنوی و مادی در نهایت حاکم شدن حیات طیبه اسلامی در آن است. نکته قابل تأمل آن است که رویکرد و جهت‌گیری‌های کلان انقلاب اسلامی در مسیری مغایر با منافع قدرت‌های حاکم بر نظام بین‌الملل تعریف‌شده است و اصولاً نظام اسلامی یکی از کارویژه‌های خود را برهم‌زدن نظام ابر سرمایه سالاری سلطه‌گر می‌داند. طبیعی است که در چنین شرایطی نیروهای قدرت‌های خارجی به‌عنوان نیروی تضعیف‌کننده و معارض مسیر پیشرفت‌طلبی ملت ایران تلقی می‌گردند.

فراتر از این نکته می‌توان به مسئله‌ای جدی‌تر در تاریخ تحولات جهانی اشاره کرد و آن اینکه اصولاً قدرت‌های جریان استعماری و استعمار فرانو مسیر اقتدارافزایی جهانی خود را در شکل‌دهی هرچه بیشتر به یک نظم «سلطه‌پذیرانه» دنبال می‌کنند. کاهش قدرت‌های ملی و کمرنگ شدن مرزهای سیاسی و جغرافیایی در نهایت نظامی را شکل خواهد داد که صاحبان قدرت‌های فراملی و ابرسرمایه‌داری امکان تسلط بیشتر بر کانون‌های حساس و راهبردی جهان را خواهند یافت. در چنین شرایطی دولت و ملتی که به دنبال برهم‌زدن این نظم «سلطه‌گر و سلطه‌پذیر» یا حاکمیت نظام سلسله مراتبی کدخداباورانه باشد، مانع تحقق این مسیر تلقی شده و از هیچ تلاشی برای شکست آن ملت و دولت فروگذار نخواهد کرد. راز حقیقی مخالفت ۴۰ ساله نظام سلطه با ملت ایران نیز در همین مسئله نهفته است.

راهبرد اساسی نظام سلطه طی این سال‌ها، مهار و مقابله با نظام اسلامی بوده است و همین راهبرد شکل‌دهنده به رویکردها، تاکتیک‌ها و اقدامات ایالات‌متحده امریکا و غرب علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است. در اینجا جای این پرسش اساسی هست که در مقابل این نیروی متخاصم خارجی –که از امکانات و توانمندی‌های قابل توجهی نیز برخوردار است– برای تحقق آرمان نظام اسلامی و پیشرفت همه‌جانبه مادی و معنوی چه باید کرد؟ اهمیت این پرسش از آن‌رواست که تأمین منابع لازم اعم از مادی، مالی، لجستیکی، دانشی و فناورانه و... بسیاری را به این نتیجه می‌رساند که پیشرفت و توسعه نیازمند حمایت‌های بیرونی و حل و هضم شدن در مسیر توسعه نظام بین‌الملل است و حال آنکه در این موضوع مغایرتی کاملاً آشکار با اهداف و آرمان‌های نظام اسلامی مشاهده می‌گردد.

اکنون در برهه‌ای خاص از تاریخ ایران قرار داریم که شکست الگوی توسعه وابسته پسابرجامی در پیش روی ماست. اگر از این تجربه درس بگیریم، هزینه گزافی که در این چندسال چه در بُعد معطل نگاه داشتن مسیر پیشرفت اقتصادی به امید واهی مذاکرات و سپس برجام و چه در بُعد امتیازهایی که به غرب در برجام دادیم و در مقابل «تقریباً هیچ» نگرفتیم، حداقل رهاوردی که خواهد داشت، کسب یک تجربه تاریخی ارزشمند و در پی آن پی‌ریزی الگوی بومی و درون‌زای توسعه ایران است. اگر این فرصت تاریخی را دریابیم می‌توانیم فردای سربلند این مرزوبوم را در مسیر «پیشرفت بدون برجام» شاهد باشیم.

خبر آخر

طراح سؤال از رئیس جمهور:

آماده مناظره با معاون پارلمانی روحانی هستم

طراح سؤال از رئیس جمهور از آمادگی خود برای مناظره با حسینعلی امیری یا سایر دولتمردان درباره طرح سؤال خبر داد.

حجت‌الاسلام مجتبی ذوالنوری، نماینده مردم قم و طراح سؤال از رئیس‌جمهور در گفت‌وگو با فارس، ضمن رد اظهارات حسینعلی امیری معاون پارلمانی رئیس‌جمهور درباره انگیزه سؤال‌کنندگان از حسن روحانی، گفت: آیا بیکاری جوانان، تورم و گرانی موضوعات سیاسی است که آقای امیری آن را به مسائل سیاسی ارتباط می‌دهند.

وی اضافه کرد: امروز با توجه به مطالبات مردم در حوزه‌های اقتصادی، نمایندگان مجلس نیز بر آن شدند تا در این زمینه از رئیس‌جمهور سؤال کنند. در چنین شرایطی بهتر است دولتمردان به قانون احترام گذاشته و با همکاری مجلس به دنبال راهکاری برای برون‌رفت از وضعیت فعلی باشند.

ذوالنوری با اشاره به نوسانات بازار ارز گفت: انتظار مردم و نمایندگان منتخب ملت از دولتمردان این است که در وضعیت فعلی پیرامون چرایی نوسانات بازار ارز توضیحی دهند و توضیح خواستن از دولت در این زمینه وظیفه نمایندگان مردم است که طبق قانون بر عهده آنها گذاشته شده است. نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی در پایان از اعلام آمادگی خود برای مناظره با معاون پارلمانی رئیس‌جمهور یا سایر اعضای دولت درباره سؤال از رئیس‌جمهور خبر داد.

نماز جمعه

خطیب نماز جمعه تهران:

مردم انتظار دارند برخورد با مفاسد شعاری و زمان‌بر نباشد

امام جمعه موقت تهران از مراجع قضایی خواست: طبق قانون با خائنان اقتصادی کشور برخورد قاطع صورت گیرد و در فرصت مناسب مجازات عبرت‌آمیز برای متخلفان اعمال شود.

به گزارش ایرنا، حجت‌الاسلام صدیقی در خطبه دوم نماز جمعه این هفته تهران با بیان اینکه مسئله اقتصاد قوام و از پایه‌های اساسی هر جامعه است، گفت: آنچه امروز شاهد آن هستیم، معلول غفلت‌ها، سوءمدیریت‌ها، توجه نکردن به قوانین شرع انور در مدیریت کشور است. وی گفت: باید به صورت واقعی و نه شعاری، مردانی که عهده‌دار مدیریت هستند، از حالت‌های سابق عبور کنند و به صورت انسان‌هایی که در معرکه هستند و تیر، بمب و موشک‌های دشمن از هر طرف به سوی او می‌آید باید رفتار کنند. خطیب نماز جمعه تهران اظهار داشت: باید دندان طمع را از دشمن بکنیم و کمر ببندیم به اینکه خودمان باید همه چیز را فراهم کنیم؛ همچنان که در ساخت موشک خودکفا شدیم. صدیقی در بخش دیگری از سخنان خود بر برخورد با متخلفان تأکید کرد و ادامه داد: با فساد باید به صورت جدی و بدون تبعیض برخورد شود. برخورد با متخلف اقتصادی در هر سِمَت، جایگاهی و با هر نسبت و ارتباطی که دارد، باید بدون اغماض و قاطع باشد. صدیقی اضافه کرد: مردم از قوه قضائیه توقع دارند که اگر قرار است قاطعانه باشد، اولاً شعار نباشد و ثانیاً زمان اجرای آن طول نکشد؛ در حد امکان رسیدگی‌ها را در مسیری قرار گیرد که مردم خیلی چشم به راه نمانند و شاهد این باشند که مجازات‌های عبرت‌آمیز در مورد مفسدان اقتصادی اعمال شود. این سخنان امام جمعه موقت تهران نیز با واکنش نمازگزاران مواجه شد و شعار دادند که «مفسد اقتصادی، اعدام باید گردد».

خطیب جمعه تهران در ادامه با اشاره به جنایت‌های امریکا اظهار داشت: منشأ هر خشونت، شکنجه و ناراحتی برای بشر، همین گرگ‌های انسان‌نما هستند. وی ادامه داد: رئیس جمهوری امریکا را نمی‌توان انسان توصیف کرد؛ او یک گرگ است که خود را در لباس انسان ظاهر کرده است. صدیقی اضافه کرد: «با این حال، برخی‌ها هنوز هم می‌خواهند اشتباه‌های گذشته را تکرار کنند؛ یک بار برجام را تجربه کردید و عهدشکنی اینها را دیدید؛ اینها چون ایمان ندارند، به قراردادها و امضاهای خود اعتنا نمی‌کنند، از این جهت اهل این نیستند که با اینها مذاکره کنیم؛ اگر هم روزی بنا بود، با این دولت و این رئیس جمهوری امکان مذاکره وجود ندارد».

تحلیل

صفار هرندی: آنها که قبلاً می‌گفتند به شوروی امتیاز بدهیم حالا مقابل امریکا وا داده‌اند

حمیدرضا نیک‌عهد | جوان

کوتاه آمدن و امتیاز دادن به دشمنی که خود را در موضع مسلط می‌بیند، بزرگ‌ترین اشتباه است. تحلیل و برآورد غلط به این معنا است که فکر می‌کنند اگر این کار را انجام دهیم، می‌توانیم از یک معبر دشواری عبور کنیم، در حالی که برعکس این کار بزنگاه سقوط در آن معبر است.

به گزارش فارس، محمدحسین صفارهرندی، در نشست بصیرت افزایی در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، وقایع سیاسی کنونی بین‌الملل را همچون وقایع سال‌های پایانی جنگ دانست و گفت: در روزهای گذشته رئیس‌جمهوری امریکا از مذاکره با ایران بدون هیچ پیش‌شرطی سخن گفت و عده‌ای از موضع ساده‌لوحانه و عده‌ای هم با شیطنت این موضوع را دست گرفتند که نباید تعلل و باید مذاکره کرد. البته وزیر امور خارجه امریکا با صحبت‌هایی، این پیشنهاد را زایل کرد و چندین پیش‌شرط گذاشت. هرندی گفت: کوتاه آمدن در قبال دشمنی که خودش را از موضع تسلط می‌بیند، بزرگ‌ترین اشتباه است. در سال پایانی جنگ زمانی که صدام خودش را در موضع تسلط دید، با پذیرش قطعنامه توسط ایران، جنگ را تمام نکرد و ادامه داد. امروز هم به دلیل اینکه تحریم‌ها آزاردهنده است و وضعیت ما را بر هم زده، بعضی‌ها وضعیت کنونی را با هرج‌ومرج آخر جنگ تشبیه می‌کنند و می‌گویند چاره‌ای نیست که به نوشیدن جام زهری که امام هم به خاطر حفظ کشور این کار را کرد، تن دهید.

■ وادادگان خواستار مذاکره با امریکا هستند

این کارشناس مسائل سیاسی به برخی نگاه‌های سیاسیون در بعد از پذیرش قطعنامه اشاره کرد و گفت: بعد از پایان ظاهری جنگ، عراق در زمان صدام ادعاهایی داشت و بر اروندرود ادعای حاکمیت می‌کرد، این ایستادگی صدام در برخی مسئولان و مقامات کشور چنان تأثیر داشت که می‌گفتند برای اینکه جلوی جنگ جدید را بگیریم تن به این خواسته بدهیم و تحلیل‌شان این بود که پشت این خواسته، شوروی قرار دارد و ما این هزینه را بپردازیم و سپس با شوروی مذاکره کنیم که در فلان موضوع جانب ما را بگیرد. صفارهرندی افزود: این تحلیل‌ها را آقای ولایتی به امام (ره) منتقل می‌کنند و این مسئله با ابراز ناراحتی و موضع‌گیری ایشان، تمام می‌شود و دیگر این مباحث مطرح نمی‌شود، اما متأسفانه آن جریانی که بر این نظر بود که به شوروی امتیاز بدهیم، اکنون می‌گویند به امریکا امتیاز بدهیم زیرا نگاهشان وادادگی است.

صفارهرندی در تحلیل وادادگان اظهار داشت: تحلیل و برآورد غلط به این معنا است که فکر می‌کنند اگر این کار را انجام دهیم می‌توانیم از یک معبر دشوار عبور کنیم درحالی که برعکس این کار بزنگاه سقوط در آن معبر است و چون بهایی از جنس منافع ملی است که داده می‌شود، این به معنای آغاز جنگ است.

هرندی یادآوری کرد: صدام با این تحلیل، به بازرسان سازمان ملل به مدت ۱۰ سال اجازه داد همه نقاط آماد و محل دپوی تسلیحاتش را بازرسی کنند، آنها در این مدت همه دارایی‌های دفاعی صدام را به اسم اینکه اینها سلاح‌های کشتار جمعی است، منهدم کردند. وقتی تمام این سلاح‌ها را از بین بردند و عملاً قدرت دفاعی عراق صفر شد، به عراق حمله کردند.

وی با رد این مواضع که اکنون دوره موشک و مذاکره نیست، گفت: این ادعایی بیش نیست، زیرا این حرف‌ها دروغ است.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان اینکه ایستادگی و مقاومت معادلات امریکا را بر هم می‌زند، گفت: با وجود اینکه امریکا بارها در سوریه ما را تهدید کرده بود ولی ما همچنان روی راهبرد خود ایستادگی کردیم و همین باعث شد راهبرد امریکا رنگ ببازد و سیر سقوط دومینووار به مراکز وابسته به امریکا هم جاری شد، هرچند که ما در این میان، هزینه‌هایی هم دادیم که شهید حججی و نزدیک به ۸۰ نفری که در آن منطقه به شهادت رسیدند بخشی از آن بها بودند که ما برای برهم زدن راهبرد امریکا هزینه کردیم.

■ انقلابیون دیروز، تسلیم‌طلبان امروز

صفارهرندی در تحلیل دو نگاهی که در کشور مقابل هم صف‌آرایی کرده‌اند، گفت: یک نگاه می‌گوید تفکر انقلابی، امروز هم باید در جان کشور و نظام و در میان ملت جاری باشد تا ما بتوانیم از هویت ایرانی و اسلامی و از نظام و ملت دفاع کنیم. جریان دوم بر این نظر است که انقلاب یک پدیده تاریخی بود و دوره‌اش دوره همان سال‌های اول دهه ۶۰ است و اواخر ۶۰ تمام می‌شود و بعد از آن باید به سراغ اندیشه دیگری بروید که انطباق با شرایط جهان داشته باشد و مستحیل در شرایط جهانی شود. عضو جریان دوم، افرادی هستند که بسیاری از آنها از تندترین نظریه‌پردازان جریان انقلابی بودند که در دهه ۶۰ گریبان افراد را به جرم اینکه شماها آدم‌های سست‌عنصر، محافظه‌کار و تسلیم‌طلبی هستید، می‌گرفتند.

صفار هرندی تصریح کرد: اکنون این جریان نظریه‌پرداز به بن‌بست رسیدن تفکر انقلابی را مطرح می‌کنند و حتی برخی از این هم عبور کرده‌اند و می‌گویند انقلاب اشتباه بود زیرا انقلاب سبب می‌شود واقعیات جهان دیده نشود و برخی خسارات ناشی از این است. می‌گویند تفکر انقلابی ایدئولوژیک است و ایدئولوژی با واقعیات تطابق ندارند.

صفارهرندی در ادامه این نشست با اشاره به برجام گفت: متأسفانه برخی منتظر هستند تا در انتخابات ریاست جمهوری امریکا، دموکرات‌ها بر سر کار بیایند در حالی که باید از دموکرات‌ها بیشتر از جمهوریخواهان ترسید چرا که بعضی از جنگ‌های معروف در جهان همچون جنگ ویتنام در زمان دموکرات‌ها شروع‌شده و در زمان جمهوریخواهان تمام‌شده است. این از گزاره‌های ساده‌لوحانه‌ای است که به افکار عمومی تحمیل می‌شود و باید لااقل در میان نخبگان از آن احتراز کنیم.

■ حذف نخست‌وزیر؛ بزرگ‌ترین اشتباه ساختاری

صفار هرندی همچنین مشکلات ساختاری را یکی از مشکلات کشور عنوان کرده است که از اول انقلاب تاکنون جریان داشته و در توضیح این مشکلات افزود: یکی از این مشکلات در نوع چینش کابینه است، وقتی با رأی زیاد مردم، رئیس‌جمهور بر سر کار می‌آید، این پشتوانه قدرتمندی است و نمی‌توان این فرد را به اسم ناکارآمدی بر کنار کنید چون این فرد به حمایت توده‌های مردمی تکیه می‌کند و خودش را پشت این حمایت‌ها پنهان می‌کند.

این کارشناس مسائل سیاسی همچنین با تأکید بر اینکه باید رئیس دولت داشته باشید و نه رئیس ملت، تصریح کرد: وقتی در جامعه رهبری دارید، یعنی تکلیف رئیس ملت را معلوم کرده‌اید. در بازنگری قانون اساسی با این نگاه که دولت قدرتمند باشد، نخست‌وزیر را حذف کردند و رئیس‌جمهور را به جایش نشاندند و گفتند با قدرت بیشتر دولت را اداره کند.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بزرگ‌ترین اشتباه ساختاری در بازنگری قانون اساسی را حذف نخست‌وزیری دانست و گفت: ما باید نخست‌وزیر را نگه می‌داشتیم؛ ما رئیس دولت نیاز داریم. ما به دولتی احتیاج داریم که دائم در قبال عملکردهای خودش پاسخگو باشد نه اینکه تا شبهه سؤال از رئیس‌جمهور مطرح می‌شود عده‌ای سؤال از رئیس‌جمهور را تقبیح کنند، در حالی که این راحت‌ترین کار است ولی چون رئیس‌جمهور خودش را می‌خواهد رئیس ملت جا بزند، این کار برای سؤال‌کنندگان عواقب دارد. صفار هرندی متذکر شد: نقش اصلی در مشکلات امروز مشکل کارگزار و مدیریت کننده است. ما تشتت مدیریتی داریم، به خصوص در دستگاه‌های اجرایی. در دستگاه‌های اجرایی چندین نگاه در مورد مسائل کشور وجود دارد.

ویژه

■ روزنامه دولت سؤال اقتصادی از روحانی را سیاسی کرد

روزنامه ایران، ارگان دولت، تیتر اول خود را روی عکس بزرگی از حسن روحانی به «سؤال نابهنگام» اختصاص داد. این روزنامه در این مطلب می‌نویسد: «عده‌ای از نمایندگان مجلس با هدایت یک جریان سیاسی اقلیت و برخلاف عزم نظام برای ایجاد وحدت، طرح سؤال از رئیس‌جمهوری را به جریان انداختند.» و در ادامه سؤالات را هم زیر سؤال برده است: «برخی مجلسی‌ها معتقدند که محورهای یاد شده در سؤال از رئیس جمهوری، نه دغدغه ملی بلکه مجموعه مباحثی است که در سطح وزرا قابل بررسی و طرح بوده و فراخوان رئیس جمهوری به بهارستان به بهانه توضیح آنها شایسته نبوده است.»

سؤالات نمایندگان سؤال‌کننده از رئیس جمهور پیرامون بحث قاچاق کالا، کاهش شدید ارزش پول ملی و رکود اقتصادی، بیکاری و استمرار تحریم‌های بانکی در دوران اجرای برجام است.

روزنامه ایران تأکید می‌کند که نمایندگان هم جناحی روحانی سؤالی از او ندارند و این سؤالات را فقط نمایندگان منتقد روحانی مطرح کرده‌اند و از طرفی همه سؤالات اقتصادی است: «طرح سؤال از رئیس‌جمهوری را ۸۰ نفر از نمایندگان امضا کرده‌اند؛ ۸۰ نفری که اکثریت قریب به اتفاق آنها از فراکسیون ولایی، یعنی مجموعه سیاسی مخالفان دولت در مجلس هستند. این چهارمین سؤالی است که طی ۹ ماه گذشته برای کشاندن حسن روحانی به مجلس مطرح می‌شود. هر چهار سؤال مطرح شده دونقطه مشترک داشتند؛ اول اینکه طراحان آنها همگی از یک طیف بودند و دوم هم اینکه هر چهار مورد این سؤال‌ها بر پایه مسائل اقتصادی طراحی شده بود.» این روزنامه در ادامه سؤال پرسیدن از رئیس جمهور را نشانه عدم همراهی با دولت عنوان می‌کند: «طرح سؤال از رئیس‌جمهوری در فضایی اعلام وصول شده که نشانه‌های همراهی با دستگاه اجرایی کشور برای عبور از شرایط فعلی به مراتب کمتر از چیزی است که باید باشد.»

■ الگویی برای حضور در جمع معترضان

رفتن به میان افراد معترض و حرف زدن با آنها در میان یک اعتراض خیابانی که بعضاً شعارهای تندی هم در آن داده می‌شود، برای یک مقام حکومتی کار ساده‌ای شاید نیست. اما این دقیقاً کاری بود که فرمانده سپاه امام رضا علیه‌السلام روز پنج‌شنبه در شهر مشهد انجام داد. افراد معترض خواستار حضور استاندار در میان جمع خود بودند که خواسته‌شان جوابی نگرفت. اما فرمانده سپاه امام رضا علیه‌السلام به جمع آنان رفت، پای حرف‌هایشان نشست و فضا را آرام کرد. از طرفی تلاش ضدانقلاب برای به آشوب کشاندن حضور مردم هم ناکام ماند و مردم درد دل‌های خود را با سردار نظری در میان گذاشتند.

گرچه بسیاری از مسئولان پشت تریبون سخنرانی از لزوم شنیدن حرف مردم می‌گویند و حتی تلاش شد در راستای رسمیت بخشی به اعتراضات مردم، مکان‌هایی برای برگزاری تجمعات اعتراضی در نظر گرفته شود، اما به وقتش وقتی صدای اعتراض بلند می‌شود، خبری از این مسئولان برای شنیدن اعتراض مردم نیست و سخنرانی‌ها در مدح و لزوم شنیدن صدای مخالف در همان پشت تریبون باقی می‌ماند. کاش این اقدام سردار نظری الگویی برای باقی مسئولان باشد تا صدای اعتراض را نه فقط در حرف که در عمل هم بشنوند.

■ عکس یک عجیب یک روزنامه

روزنامه جهان صنعت تیتر یک خود را به تصویری از رئیس جمهور و وزیر کار اختصاص داد که مشغول عزاداری و گریه هستند. روشن است که عکس از یکی از مراسم‌های سوگواری اهل‌بیت علیهم‌السلام انتخاب شده و نیازی به جست‌وجو و اتلاف وقت برای یافتن اصل عکس و زمان و مکان آن نیست. با این حال، اقدام این روزنامه در انتخاب چنین عکسی از روحانی و ربیعی برای اشاره به موضوع سؤال از رئیس جمهور و استیضاح وزیر کار است که باعث تعجب از چنین انتخابی می‌شود. تیتری که روی عکس خورده، این است که «احضار روحانی، استیضاح ربیعی». انتخاب عکس سوگواری دینی برای یک موضوع سیاسی نشان دهنده اوج کج‌سلیقه‌ای مسئولان یک روزنامه است.

گزیده خبر

کارشناس مسائل سیاسی:

رئیس جمهور با مردم گفت‌وگو کند

اولویت امروز کشور تمرکز بر مسائل اقتصادی، تغییر سریع تیم اقتصادی و گفت‌وگوی مداوم با مردم است؛ باید با مردم گفت‌وگو و توطئه‌های دشمن مطرح شود.

پرویز سروری در گفت‌وگو با فارس، درباره اولویت امروز اقتصادی کشور اظهار داشت: مهم‌ترین اولویت فعلی کشور در رابطه با همان وضعیتی است که دشمن ما دارد، آنها اقتصاد کشور را نشانه رفته‌اند و می‌خواهند بین مردم و نظام فاصله ایجاد کنند. این کارشناس مسائل سیاسی تصریح کرد: طبیعی است وقتی اتاق جنگ‌شان را در وزارت خزانه‌داری گذاشته‌اند، ما هم الان باید یک وضعیت اضطراری درباره مسائل اقتصادی اعلام و با مردم به صورت شفاف و صمیمی مطالب را بیان کنیم. وی با تأکید بر اینکه امروز باید اقدامات جدی را انجام دهیم، ادامه داد: مردم باید ببینند دولت وضعیت چابک و فعالی در مقابله با توطئه دشمن دارد اما متأسفانه این امر دیده نمی‌شود و احساس می‌شود دولت شرایط را عادی می‌انگارد و مثل زمان عادی برخورد می‌کند و این مشکلی است که در حال حاضر وجود دارد. نماینده سابق مجلس با تأکید بر اینکه چرا در موضوع تیم اقتصادی که خود دولت هم به این نتیجه رسیده این تیم فاقد توانایی لازم حداقل در شرایط کنونی است تعلل می‌کند، اظهار داشت: این تعلل از زمان سابق هم بدتر است چون وزرای اقتصادی، مشاوران و معاونان اقتصادی رئیس‌جمهور عملاً احساس رفتن می‌کنند و روی کارشان تمرکز ندارند و از این ناحیه دچار ضررهای مختلف می‌شویم، چرا این اتفاق می‌افتد، چرا رئیس جمهور سریعاً تصمیم نمی‌گیرد و شرایط فعالی در خصوص مسائل اقتصادی و حل آن اتخاذ نمی‌کند؟

وی نکته بعد را این گونه عنوان کرد: عدم گفت‌وگو با مردم باعث می‌شود بی‌منطق‌ترین و بی‌مبناترین موضوع صدر مسائل کشور شود، چطور است که ما نمی‌توانیم نکات روشنی را به طور خیلی شفاف و واضح با مردم در میان بگذاریم؟ سروری در ادامه این گفت‌وگو در پاسخ به این سؤال که برخی مجدداً به دنبال بزک مذاکره با امریکا هستند، آیا با تجربه برجام باز هم می‌شود به امریکا اعتماد داشت، افزود: ترامپی که آمد و برجام را که دو طرف ایران و ۱+۵ به تعبیری مایه گذاشتند و تعهد دادند و کار کردند به راحتی زیرش می‌زند و بدترین توهین و تحقیرها را نسبت به ملت ایران عنوان کرد، حالا می‌گوید دوباره با هم گفت‌وگو کنیم! وی در عین حال اضافه کرد: ترامپ یک فرد بی‌منطق، دیکتاتور و خودشیفته است که مذاکره با او جز تسلیم شدن مطلق چیزی نیست، اما همان‌ها که تا دیروز ترامپ را دیوانه و بی‌منطق می‌نامیدند امروز پرچم گفت‌وگو با او را بالا کشیده‌اند اینها چه مفهومی دارد؟ نشان می‌دهد این افراد منفعل، مرعوب و دچار به‌هم‌ریختگی محاسبات هستند و اساساً قدرت تحلیل از آنها گرفته شده است و امروز به صورت ربات‌هایی درآمده‌اند که پیام‌های دشمن را در داخل مخابره می‌کنند. سروری تأکید کرد: اولویت کشور امروز تمرکز بر مسائل اقتصادی، تغییر سریع تیم اقتصادی و گفت‌وگوی مداوم با مردم است؛ باید با مردم گفت‌وگو و توطئه‌های دشمن مطرح شود، مشارکت مردم را هم در عبور از این گردنه باید از موضوعات اصلی دانست که دولت و سایر قوا با یکدیگر اقدام کنند و زمینه‌ها را برای عبور موفق از این گردنه به وجود آورند.

کارشناس مسائل بین‌الملل:

تحریم‌ها بیش از آنکه واقعی باشد روانی است

کارشناس مسائل بین‌الملل در خصوص تحریم‌های جدید امریکا اظهار داشت: این تحریم‌ها به اندازه تحریم‌های دوره اوباما که کشورهای زیادی هم با آن همکاری داشتند تأثیر ندارد

سید مصطفی خوش چشم در گفت‌وگو با ایسکانیوز درباره اینکه تحریم‌های آتی روی چه چیزهایی اعمال می‌شود، گفت: این تحریم‌ها روی فلزات گرانبها و سنگ‌های قیمتی است اما به طور کلی می‌توان گفت تمام تحریم‌های غیرنفتی و بانکی را شامل می‌شود و آنها دوباره برمی‌گردند. وی افزود: طبعاً مشکلاتی را در تبادلات مالی و جابه‌جایی فلزات گرانبها برای ما ایجاد می‌کند اما این تحریم‌ها به اندازه تحریم‌هایی که در دوران اوباما بر ما اعمال شد، تأثیر ندارد. خوش چشم ادامه داد: در زمان اوباما کشورهای زیادی امریکا را همراهی می‌کردند اما حالا این گونه نیست و حتی اروپایی‌ها در ذیل برجام متعهد شدند که کماکان به همکاری با ایران ادامه دهند و این موضوع باعث می‌شود از خواسته‌های امریکا پیروی نکنند. پس این تحریم‌ها تأثیر خواهد داشت اما به اندازه تحریم‌های دوره اوباما تبعات ندارد. کارشناس حوزه بین‌الملل در خصوص تأثیرات اقتصادی تحریم‌های امریکا بر ایران ابراز کرد: درست است که تحریم‌ها بر دلار و طلا اعمال می‌شود اما ما دسترسی‌های خوبی داریم و در این خصوص کشورهایی هستند که با ما همکاری می‌کنند. خوش چشم در خصوص وظایف دولت در زمان اعمال تحریم‌ها اظهار داشت: اگر در این زمینه فکر درستی شود و دولتمردان ما اطمینان بخشی خوبی به جامعه کنند و از طریق رسانه‌ها با مردم راجع به اینکه این تحریم‌ها چیست و چه قدر می‌تواند تأثیرگذار باشند با ملت صحبت کنند و آنها را قانع کنند، با این کار تب التهابی که به راه افتاده است، می‌خوابد. وی در پایان با اشاره به اینکه تحریم‌های جدید به مراتب تأثیرات کمتری نسبت به تحریم‌های دوران اوباما دارد ابراز کرد: امریکا با استفاده از رسانه‌ها می‌خواهد تأثیرات روانی کار خود را دهها بار بیشتر و بزرگ‌تر نشان دهد و بتواند روی قیمت‌ها تأثیر بگذارد و اقتصاد را تضعیف کند.

سرمقاله

روشنفکران قدرت مصیبت مضاعف

ادامه از صفحه یک

۳- نگاه کلاسیک یا علم‌گرایی مفرط در حل مسائل کشور از دیگر مصائب حضور روشنفکران در قدرت است. اقتصاد علم است و عرضه و تقاضا تعیین‌کننده بازار اما وقتی دشمن وارد میدان می‌شود و دست‌ها به کار می‌افتد تا صدای مردم را دربیاورد دولت چه می‌کند؟ همچنان بر روش‌های کلاسیک که برای روز خوش و خرم است تکیه می‌کند و خلاقیت انقلابی و تصمیمات ضربتی به میدان نمی‌آید. علم‌گراهای قدرت آسیب دیگری هم دارند و معمولاً پیشنهاداتی را که می‌رسد علمی نمی‌دانند و به روش‌های مسکن اعتقادی ندارند، مدیریت بحران نمی‌کنند، ناز پرورده‌اند، پول خوب به آنان بدهی با کارشناسی پرهزینه ممکن است جایی را آباد یا مسئله‌ای را حل کنند. آنان دور زدن تحریم را خلاف روشنفکری و عرف بین‌الملل می‌دانند و با نگاه کلاسیک آن را فساد زا معرفی می‌کنند اما مدل جایگزین هم ندارند و صدالبته جرئت پیشنهاد گزینه تسلیم را نیز ندارند.

۴- خوش‌بینی مفرط به گفت‌وگو و بده‌وبستان از دیگر خصایص روشنفکران قدرت است. این جماعت چیزی به نام دشمن را قبول ندارند و علت اصلی آن در خودشان است. وقتی به خود مراجعه می‌کنند هیچ کس را دشمن نمی‌پندارند و در نتیجه فکر می‌کنند در نقطه مقابل نیز دشمنی وجود ندارد، جهان را جهان معامله می‌دانند و اینچنین خوش‌بینی آنان را گرفتار می‌کند.

۵- روشنفکران به صورت کلی اعتقاد، اعتماد و باور به مدل بومی جهت اداره کشور ندارند لذا به مدل‌هایی روی می‌آورند که یا الآن با جامعه ما سازگار نیست یا کلاً با نوع اقتصاد و فرهنگ ما ناسازگار است. بنابراین مدل‌های مدنظر به چالش و ناکارآمدی می‌رسد و در نقطه مقابل نیز فاقد خلاقیت بومی هستند و حرفی برای گفتن نمی‌یابند. ملت ما، ملت گردنه‌های سخت است اما روزی تن به این گردنه‌ها می‌دهد که دولت با اقتدار در میدان باشد، در آن روز حتی اگر نتیجه هم نگیرد برای تسلیم شدن به میدان نمی‌آید بلکه با یادی از باخت قهرمانانه مقابل اسپانیا، متواضعانه مشکلات را تحمل می‌کند.